



وضعیت اقتصادی کردستان در جنگ جهانی اول (احتکار و بحران غله)

کیهان مشیرپناهی^۱

سیدمحمد شیخ احمدی^۲ ✉

عثمان یوسفی^۳

محمد قربان کیانی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

چکیده

با شروع جنگ جهانی اول و ورود عثمانی به عرصه نبردها، دامنه جنگ به کردستان نیز کشیده شد. حضور یافتن قشون دولت های متخاصم در کردستان، منافع شخصی حاکمان محلی و خوانین با احتکار نمودن غلات موجب بحران غله در کردستان گردید و پیامدهای اجتماعی نظیر فقر، گرسنگی، فساد، فحشا، کوچ افراد از شهرها و تخریب روستاها را به دنبال داشت. کردستان از سال های قبل از جنگ جهانی دچار تشمت سیاسی، ناامنی و پریشانی شده بود در این برهه نیز از لحاظ اقتصادی وضعیت نامناسب و آشفته ای یافت. هر کدام از نیروهای درگیر جنگ به بهانه ای به منطقه کردستان که بخشی از عرصه نبرد های آنان بود آمدند و کردستان را در آن وضعیت بهم ریختگی سیاسی و ناامنی به سوی وضعیت بحرانی اقتصادی کشاندند. روش / رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر با تکیه بر منابع تاریخی از قبیل کتب، اسناد و مطبوعات بارویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. هدف: بررسی احتکار و بحران غله در کردستان، فعالیت و عملکرد حاکمان محلی در جنگ جهانی اول.

یافته ها و نتیجه گیری: حضور نیروهای درگیر جنگ جهانی اول در کردستان انتظام اقتصادی منطقه را برهم زده، تأمین آذوقه این نیروها از محصولات محلی، کم شدن مواد غذایی ضروری مردم و نیز احتکار غلات توسط مالکان، عملکرد منفی و نامناسب حاکمان محلی و در کنار مشکلات و معضلات بسیار زیاد به وجود آمده از سوی نیروهای نظامی درگیر جنگ در منطقه کردستان به خاطر منفعت خود و بقای قدرتشان عاملی برای بیشتر شدن آسیب اقتصادی و اجتماعی منطقه شده و در نهایت به احتکار و بحران غله در کردستان انجامیده و موجب فقر، گرسنگی، قحطی و دیگر آثار ناگوار در کردستان گردید.

واژه های کلیدی: جنگ جهانی اول، کردستان، اوضاع اقتصادی، احتکار، بحران غله.

طبقه بندی JEL: H12, E41

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج. ایران. Kihanmshirpnahe@yahoo.com

۲- استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج. ایران (نویسنده مسئول). M.sheikhahmadi@gmail.com

۳- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه مذاهب اسلامی واحد کردستان، سنندج، ایران. maedeh856@gmail.com

۴- استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج. ایران. Mohammad.kiany@yahoo.com

۱- مقدمه

از مهمترین پیامدهای مخرب جنگ جهانی اول، رکود اوضاع اقتصادی ایران بود. این جنگ بنیان‌های اقتصاد ایران را متزلزل ساخت. خسارات آن تلفات انسانی، بحران‌های اجتماعی، قحطی، تورم و فقر را به دنبال داشت (ملایی توانی، ۱۳۸۱:ص ۱۶۲). رکود تورمی هنگامی رخ می‌دهد که کاهش عرضه کل بیشتر از افزایش تقاضای کل است که می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد. مثلاً عدم توانایی دولت در کنترل اوضاع اقتصادی در شرایط بحرانی. (رضایی، محسن. ۱۳۹۷) در این خصوص با توجه به وضعیت بحرانی اقتصادی به وجود آمده ناشی از حضور نیروهای بیگانه درگیر جنگ در کردستان تورم و رکود وضعیت اقتصادی بر منطقه مستولی گردید. این جنگ موجب سقوط تولیدات کشاورزی گردیده و قوای اشغالگر آذوقه‌های موجود را مصرف نموده و یا در توزیع آن اختلال ایجاد کردند (کدی، ۱۳۸۵:ص ۱۲۱). تغییر در پارامترهای اقتصادی از جمله کشاورزی به عنوان یک پارامتر پایه اقتصادی نارسایی و کمبود در این زمینه منشاء بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. (محمدی، هادی. ۱۳۹۲) با توجه به بحران مالی ایران در سال‌های جنگ؛ روسیه و انگلیس با ایجاد کمیسیون مختلط بر منابع مالی و منافع و هزینه‌های آن نظارت یافتند و امور اقتصادی و نظامی بیشتر از پیش تحت سلطه آنان قرار گرفت (ملایی توانی، ۱۳۸۸:ص ۵۷).

در این میان وضع کردستان حتی آشفته‌تر از سایر نواحی بود، چرا که در این زمان، کردستان به دلیل قرار گرفتن در مرزهای غربی ایران، در خط مقدم درگیری‌ها، عرصه زد و بند نیروهای مهاجم خارجی گردید. تلاش دولت مرکزی ایران و اعلام بی‌طرفی نیز کار به جایی نبرد و در نهایت نوار مرزی ایران تحت سلطه بیگانگان درآمد و آنگونه که به درستی مؤلف «تاریخ کردستان» اشاره دارد، کردستان و نواحی آن میدان مانورهای نظامی دولت‌های بیگانه گردیده و موجبات به خاک و خون کشیده شدن مردمان این سرزمین گردید و هم خسارت‌های مالی هنگفتی را برای این نواحی به بار آورد. در عین حال، هر یک از دولت‌های درگیر در جنگ نیز تلاش می‌کردند تا از کردها در جهت منافع خود بهره‌گیرند (لازاریف، ۱۹۹۹:ص ۱۴۱).

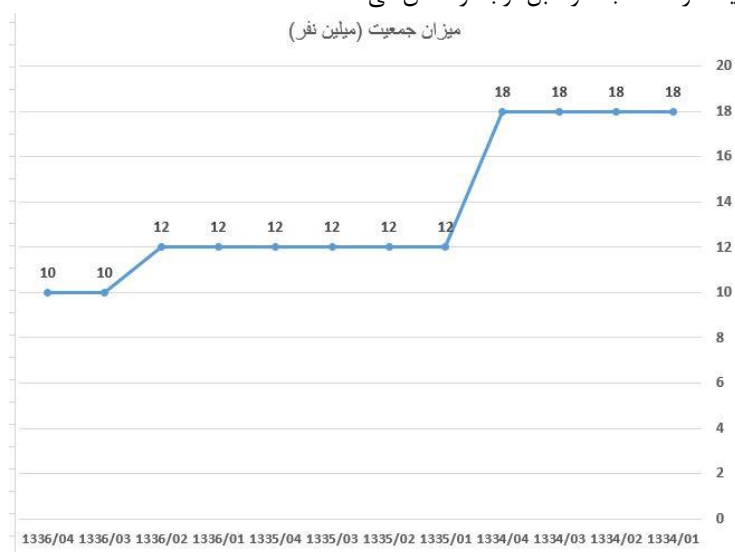
یکی از علل بروز قحطی و مشکلات اقتصادی کاهش تجارت و مبادله کالا در سال‌های جنگ بود. در این دوره تجارت دچار نابسامانی گردیده و راه‌های تجاری ایران به روسیه در شمال و عثمانی در غرب بسیار ناامن بود (ملایی توانی، ۱۳۸۱:ص ۱۶۳). به دلیل نبود امنیت، راهزنی و ناامنی راه‌ها و به خطر افتادن جان و مال تجار و بازرگانان افزایش یافت (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷:ص ۱۸۹). با این اوصاف کالایی را که تجار به مردم در این شرایط می‌رسانند، به قیمت چندین برابر به فروش می‌رسید. تورم یا به عبارتی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها از جمله متغیرهای مهم و تاثیر گذار در اقتصاد هر منطقه است. (عباسی، غلامرضا. ۱۳۸۸) بنا بر این افزایش قیمت‌ها زمین‌ها و باعث تورم در منطقه شد. بر این اساس زمین‌های بحران اقتصادی و تورم که در همان وضعیت جنگی حاکم بر کردستان و حضور قوای دولت‌های خارجی در این محل نهفته بود، در کنار علل دیگر داخلی کردستان نظیر مشکل ایلات و عشایر و تردهای آنان در حدفاصل کردستان ایران و عراق خود زمینه ساز اوضاع بحرانی در دوره جنگ و به نوعی کمک به نابسامانی‌های اقتصادی گردید که در نهایت همین علل و عوامل خود موجب رشد فقر و فساد و دیگر نابسامانی‌های اجتماعی نیز گردید.

محمدقلی مجد در کتاب قحطی بزرگ و نسل‌کشی در ایران ۱۹۱۷-۱۹۱۹ به این نتیجه رسیده است که قحطی بزرگ در ایران در سده بیستم میلادی، در زمان جنگ جهانی اول رخ داده است. محمدقلی مجد ادعا کرده است که در طول سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۱۸ تا ۲۰ میلیونی ایران، یعنی حدود ۴۰ درصد در اثر قحطی یا بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه ای که بریتانیا در ایران ایجاد کرده بود از بین رفتند. مجد دولت بریتانیا را عامل و مسبب این نسل‌کشی مهیب می‌داند و عنوان می‌دارد که استعمار بریتانیا از سیاست نسل‌کشی و کشتار جمعی به عنوان ابزاری برای سلطه بر ایران بهره برد. او مدعی می‌شود که در آن زمان بخش مهمی از محصولات کشاورزی ایران صرف تأمین سوارات ارتش بریتانیا می‌شد که در نتیجه به کاهش شدید مواد غذایی در داخل ایران انجامید. (محمدقلی مجد، ۱۳۹۴، صفحه ۵۱)

مجد چنین نتیجه می‌گیرد: «هیچ تردیدی نیست که انگلیسی‌ها از قحطی و نسل‌کشی به عنوان وسیله‌ای برای سلطه بر ایران استفاده می‌کردند». (میروشنیکف، ص ۱۰۲۵، ۱۳۵۷)

با این حال به نوشته عباس میلانی بسیاری از دیدگاه‌های ارائه شده توسط مجد محل شک و غرض مدارانه می‌باشد. در کارهای مجد، او تمایل به این داشته است تا منابعی گلچین کند که دیدگاه از پیش تعیین شده ضد انگلیسی او را تأیید کند. (میلانی، عباس ۱۹-۲۱، ۲۰۱۱)^۱

در نتیجه بررسی و تحلیل جمعیتی در نمودار ۱ وضعیت و آمار جمعیت کل ایران در دوره جنگ و تلفات جانی و کم شدن جمعیت در حد فاجعه و قابل توجه را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: آمار جمعیت ایران در دوره جنگ جهانی اول

منبع: یافته‌های پژوهشگر

^۱ Milani, Abbas (2011)T pp. 2-19 to 21

بنابراین، در زمینه احتکار و بحران غله در کردستان زمان جنگ جهانی نویسندگان پژوهش حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

(۱) علل و زمینه‌های احتکار و بحران غله در کردستان در ایام جنگ جهانی چه بوده است؟

(۲) احتکار و بحران غله در زمان جنگ جهانی اول در کردستان چه پیامدهایی به دنبال داشت؟

در خصوص موضوع پژوهش حاضر یعنی وضعیت غله و احتکار کردستان در جریان جنگ جهانی اول تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته و فقط سابقه پژوهش محدود در این زمینه را در آثاری که در زمینه جنگ جهانی اول در کردستان نگاشته شده جستجو نمود و همینطور می‌توان برخی اطلاعات پراکنده از آن را نیز در پژوهش‌هایی که در خصوص وضعیت کلی اقتصادی در این دوره در سایر نواحی ایران نگاشته شده جستجو کرد. لذا در این خصوص می‌توان به پایان نامه عباس زارعی مهرورز با عنوان «اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول. زارعی مهرورز» (۱۳۸۵) اشاره کرد که نویسنده بخشی از اثر خود را به وضعیت مالی و اقتصادی اختصاص داده، از دیگر آثار نزدیک به مبحث حاضر نیز می‌توان به مقاله سهیلا ترابی با عنوان «نگاهی به وضعیت ارازا در ایران در سال‌های جنگ جهانی اول» (۱۳۷۰) اشاره نمود که نویسنده در آن بصورت جسته و گریخته به وضعیت غلات در کردستان هم اشاراتی دارد.

این مقاله از نظر محدوده زمانی به دوران جنگ جهانی اول (از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی) و از نظر مکانی و جغرافیایی کردستان (استان کردستان شهرهای سنندج، سقز و بیجار) محدود می‌باشد.

۲. آغاز جنگ جهانی اول در منطقه کردستان

در اول نوامبر ۱۹۱۴ م. / ۹ آبان ۱۲۹۳ ش. امپراتوری عثمانی که نگران از گسترش متصرفات انگلستان بود به امید دست یابی مجدد به سرزمین‌های از دست رفته خود (اتابکی، ۱۳۷۸: ص ۵۱) به حمایت از متحدین بی طرفی را کنار گذاشته و به متحدین پیوست (نقیب زاده، ۱۳۶۸: صص ۱۴۵-۱۴۹). با ورود عثمانی‌ها، دامنه جنگ به ایران و کردستان نیز کشیده شد (فرهمند، ۱۳۸۲: ص ۱۶۸). اینگونه بود که به گفته لازاریف «اولین صدای گلوله در جنگ جهانی اول در خاور نزدیک از کردستان ایران به صدا درآمد نه از دریای سیاه». (لازاریف، ۱۹۸۹: ص ۵۶۲) اگر چه در جنگ جهانی اول ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد اما آتش این جنگ اکثر مناطق بخصوص کردستان و آذربایجان را فرا گرفت و به میدان جنگ متفقین و متحدین تبدیل شد. «هر یک از دولت‌های درگیر در این جنگ تلاش می‌کردند تا از کردها و دیگر خلق... در جهت منافع خود بهره‌گیرند» (لازاریف، ۱۹۹۹: ص ۱۴۱). کمال مظهر نیز درباره جنگ جهانی اول در کردستان ایران از پیشروی لشکر ترک‌ها تا نزدیکی ارومیه و اطراف آن و اخراج روس‌ها از منطقه آذربایجان با کمک و همکاری کردها و اتحاد قبایل کرد این مناطق سخن می‌گوید (مظهر احمد، ۱۹۷۵: ص ۵۸). این موضوع بیانگر این واقعیت است که کردستان تا چه اندازه برای طرفین نبرد اهمیت نظامی داشته است، عثمانی‌ها با استفاده از انگیزش مذهبی و روسیه و انگلستان با استفاده از تحریک احساسات ملی کردها، سعی در شکست و به عقب راندن همدیگر از این منطقه حساس خاورمیانه داشتند. اما خود سپاهیان ترک عثمانی

بعد از پیروزی بر روس‌ها از اعمال اذیت و آزار بر مردم کُرد مناطق آزاد شده دریغ نکردند. زکی بگ در این باره گوید: «که در راه بازگشت سپاه عثمانی، لشکر ترک شروع به اذیت و آزار و قتل عام و غارت اموال مردم کرد نمودند.» (زکی بیک، ۱۳۸۸: ص ۱۹۰).

جنگ در کردستان در اواسط حکومت سردار محی (بیست و یکم محرم سال ۱۳۳۲ ق / ۲۹ آذر ۱۲۹۲ ش) در کردستان آغاز شد. مردوخ در خصوص ایام حکومت وی در این زمان گوید: «حاکمی که در زمینه توسعه و آبادانی و برقراری آرامش اقدام موثری انجام نداد و در حکومتش، جز دسیسه، کلاه برداری و بی اعتمادی، چیز دیگری عاید ملت نکرد (مردوخ، ۱۳۷۹: صص ۵۴۷-۵۵۰). در این ایام ناتوانی حاکم در کنترل اوضاع، قتل و غارت و ناامنی را در کردستان افزایش داد و دوره‌ای بحرانی در کردستان شکل گرفت.

حضور حکومت عثمانی و آلمان در نواحی مرزی موجب شد تا روس و انگلیس نیز از شمال و جنوب ایران وارد کشور گردند. بدین ترتیب، شیخ عبدالقادر نه‌ری و شیوخ طویله^۱، از مشایخ کرد ساکن عثمانی، اعلام جهاد کردند و بسیاری از عشایر کرد ایران در آغاز جنگ، با ملاحظه مشایخ و با فراخوان جهاد به جنگ پیوستند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ص ۴۱۳). حتی گفته شده است که دولت عثمانی شیخ الاسلام‌ها را برای ترویج، هیجان و رساندن ابلاغیه‌ها به نواحی غربی ایران روانه داشت و نوشته‌هایی از طرف علما و والی بغداد در این نواحی توزیع کرده و مردم را دعوت به مجاهدت و اتحاد با عثمانی‌ها دعوت می‌نمودند (بیات، ۱۳۸۹: صص ۲۵-۳۰). هرچند به گفته نیکیتین، در این زمان باز تعدادی از میهن پرستان کرد که دعوت حکومت عثمانی را رد کردند به دست ترکان اعدام شدند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ص ۴۱۷). اما بیشتر مردم کُرد که متدین و وفادار به باورهای دینی بودند، به فرمان و فتوای رهبران دینی خود لبیک گفتند.

۳- وضعیت تجاری و اقتصادی کردستان در آستانه جنگ جهانی اول

دستاوردهای حاصله از انقلاب مشروطیت در مناطق کردنشین که جامعه‌ای روستایی - عشایری محسوب می‌شد، به مراتب ضعیف‌تر بود، کما اینکه در قانون انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به شش گروه شاهزادگان و اعضای ایل قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، مالکان و فلاحت، تجار و اصناف تقسیم شده بودند (ژانت آفاری، ۱۳۷۹: ص ۹۲). دولتمردان رژیم مشروطه درصدد برآمدند با تصویب «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» مانع ایجاد یک بحران عمیق سیاسی - اجتماعی گردند.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اردیبهشت ۱۲۸۶ ش، به تصویب مجلس شورای ملی رسید (راوندی، ۱۳۵۷: ص ۱۰۳). عدم اجرای صحیح قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» در مناطق کردنشین، نه تنها سبب جلب کردها نسبت به رژیم مشروطه نشد بلکه باعث تشدید بحران در کردستان گردید (سجادی، ۱۳۴۴: صص ۲۵۷-۲۵۶). در این میان برخی خلاء ناشی از کاهش قدرت دولت مرکزی به تبع استقرار رژیم مشروطه را سبب تشدید بحران

^۱ . آبادی «رته و یله/ طویله» محل فعالیت صوفیان نقشبندیه در پنج کیلومتری سروآباد مرز مشترک ایران و کردستان عراق قرار دارد.

کردستان می‌دانند (ناهید، ۱۳۶۲: ص ۲۶). بر همین اساس علل عدم همکاری اکثریت قریب به اتفاق کردها با رژیم مشروطه که سرانجام بر وخامت اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مناطق کردنشین ایران منجر گردید. در کردستان، راه‌های تجاری در مناطق شمالی سبب متصل نبودن مناطق کردنشین به مراکز تجاری گردیده بود (شمیم، ۱۳۷۰: ص ۷۸). همین دور افتادگی، از عوامل ضعف تجارت و گسترش سرمایه‌داری در منطقه به شمار می‌رفت؛ به عبارتی «بن بست بودن کردستان» (مؤمنی، ۱۳۵۸: صص ۲۵-۲۶). نه تنها موجب گسترش نیافتن سرمایه‌داری بلکه باعث فقر عمومی و اختلاف فاحش طبقاتی و تمرکز قدرت اقتصادی در میان اشراف ایلی شد که خود مانع گسترش طبقه متوسط شهرنشین و به ویژه تجار کرد گردید.

باتوجه به این وضعیت کردستان ناخواسته درگیر جنگ جهانی اول می‌گردد و حضور یافتن نیروهای درگیر جنگ در منطقه زمینه تشمت و وخامت اقتصادی کردستان ایجاد می‌شود. در این خصوص اوضاع اقتصادی سنندج بعنوان مرکز ایالت کردستان وضعیت آشفته تجاری و اقتصادی دارد. یکی از معمرین سنندج، گزارش جالبی در خصوص اوضاع اشراف و کسبه سنندج ارائه می‌دهد. وی متذکر می‌گردد که بخش اعظم مردم سنندج پیشه‌ور بودند و از پنجاه نوع شغل از بازرگانی تا مباحثی و ضابطی اشراف می‌توان نام برد. رضا علی دیوان بیگی که در اوایل جنگ جهانی اول از سوی دولت موقت ملی به سنندج اعزام شده بود، در ضمن توصیف اوضاع اجتماعی سنندج، بر نظام به شدت طبقاتی در این شهر صحنه گذاشته و می‌نویسد: «سکنه سنندج را درواقع سه طبقه متمایز تشکیل می‌دهند: یکی خوانین که ارباب ملک بودند و اشراف منش، دیگر طبقه نوکر که از قبیل طبقه اول زندگی می‌کردند و طبقه سوم یعنی پیشه‌ور و کاسب که اصلاً به حساب نمی‌آمدند. مسئله شأن فروشی خوانین و اعیان چنان اهمیت داشت که تجار معتبر وقتی برای وصول مطالبات خود نزد اعیان ورشکسته می‌رفتند، حق جلوس پیش آنها را نداشتند و پس از کسب اجازه، تازه می‌بایست در میان رعایا بنشینند» (روحی، ۱۳۹۲: ص ۶۰).

برخی از مورخان علت ضعف تجار کرد را، حضور تجار یهودی و آرامنه فرصت طلب در سنندج دانسته‌اند که قسمت اعظم تجارت در این مناطق را در دست داشته‌اند. لازاریف نیز در گزارشی از استیلای کامل تجار روسیه در سنندج صحبت می‌کند و متذکر می‌گردد که «بیش از سی درصد تجار سنندج، پیوند محکمی با تجار روسیه داشتند» (لازاریف، ۱۹۹۹، ص ۱۴۵) از این رو باید گفت بخش اعظم تجار کرد مقیم سنندج نیز درواقع تحت تاثیر بورژوازی روسیه قرار داشتند. البته به علت بعد مسافت، میزان این وابستگی نسبت به دیگر مناطق کردنشین از جمله ساوجبلاغ کمتر بود اما این وابستگی باعث می‌شد سیاست ارتجاعی تجارت در منطقه همچنان تداوم داشته باشد، زیرا تجار مقیم سنندج هیچگاه در جهت رفاه اقتصادی اهالی و گسترش صادرات محصولات بومی کردستان، از جمله صنعت قالی، گام مثبتی برنداشتند، حال آنکه این صنعت در کردستان بسیار با اهمیت بوده است.

۴. نیروهای متخاصم و بحران غله در کردستان

در کنار نابسامانی نظام مالی و اقتصادی کردستان که ناشی از قدرت خوانین و حملات عشایر بود، دولت‌های خارجی نیز بخصوص روسیه و عثمانی، نه تنها قصد کمک و راهنمایی دولت‌های پس از مشروطه را نداشتند که در تضعیف هرچه بیشتر کابینه‌ها می‌کوشیدند و به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کردستان نیز دامن می‌زدند.

به تدریج از تابستان ۱۹۱۷م، با وقوع انقلاب روسیه، نظم و انسجام روس‌ها کم شد و اغتشاش و غارت در کردستان به راه افتاد. بخشی از این مسأله به کمبود مواد غذایی در نتیجه قحطی عمومی و نیز سوء استفاده از منابع موجود بود و دخالت روس‌ها در مسأله غله به صورت خرید یا تصرف به بحران دامنه زد. در پاییز ۱۹۱۷م./ ربیع الاول ۱۳۳۶ق./ ۱۲۹۵ش. بخش اعظم نیروهای روس کردستان را، غالباً از طریق خط همدان، تخلیه کردند (مردوخ، ۱۳۷۹:ص ۵۸۶). سرما و کمبود مواد غذایی باعث مرگ و میر هر دو گروه نیروهای عثمانی و روسی گردید. ضربه اصلی که نظامیان روس به اقتصاد منطقه زدند، استفاده بیش از حد از منابع و امکانات بود. تأمین آذوقه حتی بیش از میزان نیاز تا جایی که شبهه حمل آن به روسیه را به میان آورد، منابع حیاتی مناطقی را که به طور موقت در آنها ساکن بودند دچار کمبود کرد. یک عامل مهم توجه روسیه به کردستان برای تأمین آذوقه سربازان روسی بود. به نظر روس‌ها مزارع گندم منطقه می‌توانست تغذیه سربازان روس را تأمین نماید اما این امر به منافع زمین داران از یک سو و حیات و ممت کردها از سوی دیگر وابسته بود (زارعی مهرورز، ۱۳۹۴:ص ۱۵۸-۱۵۹)

در همین زمینه ژنرال نظرف، فرمانده قوای روس، کوشید این امر را با گردآوری همه خوانین کرد در منطقه سقز و بوکان به آنها تفهیم کند ولی نتیجه مطلوبی به دست نیاورد. در اورامان نیز نظیر چنین توافقی با روس‌ها انجام شد و شیخ رئوف ضیایی عامل این کار بود. مضاف بر آن وی خواستار تخلیه منطقه از روس‌ها شد (ضیایی، ۱۳۶۷:صص ۵۳-۷۲). نخست مقرر شد که غله لازم - گندم برای افراد و جو برای حیوانات- خریداری شود. بر این اساس قرار بر این گذاشته شد که از مالیات اقلام جمع آوری شده در محل به روس‌ها گندم و جو بفروشند. فروش نیز در کردستان و کرمانشاه بر اساس آن بود که جنس در محل «به نمایندگی مباشرت قشون تسلیم و قیمت آن به نرخ روز در همدان بپردازند» (ساکما، ۱۲۹۳ / ۲۴۰ / ۶۷). روس‌ها چون می‌دانستند تهران برای تأمین گندم در مضیقه است، به شرط آن که مالیات گندم و آرد به قشون روس داده می‌شد، اجازه نمی‌دادند «مضاعف» آن مقدار را برای «احتیاج تهران و قزوین و خمسه» خریداری کنند (ساکما، ۱۲۹۳ / ۲۴۰ / ۶۷). در مرحله اول در سوم شعبان ۱۳۳۵ هجری به مالیه کردستان دستور داده شد «به فوریت آنچه جنس دولتی در کردستان موجود است تماماً به نمایندگی مباشرت کل قشون دریافت داشته و اگر وجه آن احتیاج نشد به حساب مالیه کردستان ایفا دارد. هرگاه جنس دولتی از برای قشون روس کفایت نکند لازم است که با تقویت حکومت محلی با نظامیان روس در پیدا کردن جنس متفرقه همراهی نموده و بقشون مزبور تحویل داده قیمت آن را به روز از نظامیان روس گرفته به صاحبان جنس برسانند.» (ساکما، ۱۳۵۲ / ۲۴۰).

وقایع آینده نشان داد که جریان کار به سمتی دیگر رفته و ابتدا روس‌ها به انبارداران غله مالیه در نواحی تحت اشغال خود فشار آوردند. در گروس که میانه زنجان و کردستان بود، فشار روس‌ها به شدت احساس می‌شد. در تابستان ۱۳۳۵ ق شکایت‌های امین مالیه گروس نشان از این فشارها داشت. وی از فشار نظامیان روس در مطالبه موجودی انبار مالیه شکایت دارد و گزارش داده که ایشان در صورت امتناع مالیه از تأمین غله، شهر را به غارت تهدید می‌کنند. گندم مالیاتی را تصرف می‌کنند و مانع ورود آن به شهر می‌شوند (ساکما، ۱۳۹۲ / ۲۴۰ / ۴۴). در این زمان روس‌ها کمتر وجه این غله‌ها را می‌پرداختند و از جایی به بعد پرداخت‌ها به منات بود، پولی که در آن

زمان به سرعت ارزش خود را از دست داده بود. در برابر اعتراض اهالی اداره مالیه به بدهی نیز «هر وقت مطالبه می‌شود اظهار می‌دارند ژنرال باراتوف در این باب با وزارتین مالیه و خارجه در مرکز مذاکرات لازمه نموده قرار داده‌اند هر مقدار جنسی که لازم داریم از اداره مالیه دریافت نماییم» (ساکما، ۳۹۲۰ / ۳۴۰ / ۶۴۲۸). در مورد دیگر، اوضاع گندم و ارزاق سنندج را وخیم گزارش می‌کند و اگر چه تاکید دارد که «راست است محصول نسبت به سنوات قبل خیلی کم است» اما حضور «جمعیت سه هزار نفری» روس‌ها را دلیل اصلی قحطی می‌داند. بنا به این گزارش روشن می‌شود که روس‌ها نه فقط به ترتیبی که اشاره شد از اداره مالیه غله خریدند و میزان گندم موجود در انبار را که ذخیره مصرف مردم بود، کاهش دادند، بلکه خود به صورت مستقیم گندم انبارهای دهات را کشف و حمل کردند و در برابر نیز به قیمتی بسیار پایین‌تر از معمول و با منات وجه مقابل را پرداخت می‌کردند. از سوی دیگر حتی از گندمی که در خانه‌ها به میزان اندک ذخیره گردیده بود و از گندمی هم که درویشان با گدایی جمع کرده بودند، نمی‌گذرند و همه را ضبط می‌کنند (ساکما، ۳۹۹ / ۳۴۰ / ۴۹-۵۰).

اقدامات روس‌ها به اینجا نیز ختم نشده و نقش آنها علاوه بر مصادره و تصرف غله و بذر ذخیره سال بعد دامن زدن به قحطی بود. آنها در اواخر ۱۲۹۶ ش. حدود ۷۰ الی ۸۰ خروار جو برای بذر سال بعد در انبار اداره مالیه نگهداری می‌شد را مصادره کردند.

به دنبال غارت و تصرف غله توسط قوای روس نیروهای عثمانی نیز زمانی که در منطقه حضور یافتند دست به غارت منطقه زندکده نهایتاً همین «غارت انبارهای گروس توسط لشکر عثمانی، اداره مالیه را به این امر معطوف کرد که جمع آوری و ذخیره جنس مالیاتی در انبارها بر حرص و طمع قوای بیگانه بر غارت انبارها می‌افزاید، به همین علت تصمیم گرفتند که برای سال بعد تا زمان نیاز، اقدام به جمع‌آوری و ذخیره جنس مالیاتی نمایند، تا جنس مالیاتی گروس را از غارت قشون بیگانه محفوظ دارند» (ساکما، ۲۸۵۷ / ۲۴۰ / ۲۹).

در پایان زمستان امین مالیه گروس به وزارت مالیه اینگونه گزارش کرد: «اداره مالیه جنس موجودی نداشته تا به ملاکین برای بذر افشانی بدهد.» (ساکما، ۱۲۹۶ / ۷ / ۵۱) با این وضعیت کشت و تولید غله در سال بعد و حتی در چند سال آینده نیز مختل شد.

دست اندازی روس‌ها تنها به غلات خلاصه نمی‌شد و آنها به حیوانات سواری و باری و گاو و گوسفند نیز دست اندازی می‌کردند. کم شدن تعداد حیوانات موجب سخت شدن کار کشت و زرع می‌گردید. چنانکه در نامه وزارت مالیه به وزارت خارجه به قسمتی از گزارش رسیده از کردستان اشاره شده است: «مخصوصاً آنچه گاو و گوسفند که اسباب معیشت رعایا بوده نظامیان روس برده‌اند حالا به واسطه فقدان امنیت و نداشتن گاو و بذر کار زراعت خوابیده». پس از آن از وزارت خانه خواسته شده بود که به وسیله مذاکره شرایطی فراهم کند تا «هن بعد اندک استطاعتی در اساس زراعت اگر رعایا باقی مانده از این تطاولات محفوظ نماید» (ساکما، ۳۹۹ / ۳۴۰ / ۷۰). مجموع عوامل مذکور موجب کاهش تولید و درآمدها شده بود. از این جهت درآمدهای مالیاتی اجناس، که غالباً غله بود و مالیات‌های نقدی که از فروش یا قیمت‌گذاری مال التجاره حاصل می‌شد، کم شد. بدین ترتیب هم صندوق درآمدهای مالیاتی کشور و هم انبارها که به هر رو ذخیره غذایی محسوب می‌شدند، خالی ماندند.

اما اقدامات روس‌ها در جلوگیری از ورود جنس مالیاتی به بیجار و تصرف آن، موجب کمبود دوباره نان و گندم در گروس و به خصوص بیجار شد (ساکما، ۱۲۹، ۳۹۲۰/۲۴۰/۱۱۴). قوای روس هر روز پنج خروار جو و یک خروار و پنجاه من نان از اداره مالیه دریافت می‌کردند (ساکما، ۳۹۲۰/۲۴۰/۶۰). در پاییز ۱۲۹۶ش، کم کم گندم در گروس کمیاب و روز به روز بر قیمت آن افزوده شد به طوری که در آبان ماه، قیمت هر خروار به حدود ۳۵ تومان رسید و در آذر ماه بالغ بر ۴۲ تومان گردید (ساکما، ۲۴۰/۸۵). افزون بر موارد مذکور باید خشکسالی بزرگ سال ۱۲۹۶ش. ایران را نیز بدان افزود که در نهایت باعث ایجاد بحران شدید غله در منطقه گردید.

افزایش قیمت مایحتاج و قوت اصلی (گندم) مردم منطقه کردستان در زمان جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۴ هجری در ماه‌های اول حضور قوای بیگانه در منطقه گروس یک خروار گندم فقط ۴ تومان (اسناد سازمان اسناد، شماره سند ۶۷۷۵-۲۴۰-۲۰ شعبان ۱۳۳۴)

- در زمان ادامه حضور قوای بیگانه کمبود غلات و افزایش قیمت گندم یک خروار ۳۵ تومان (سال ۱۳۳۵) (اسناد سازمان اسناد، شماره سند ۹۶۹۶-۲۴۰ تاریخ سند آذرماه ۱۲۹۵ شمسی)
- پاییز سال ۱۳۳۶ هجری قیمت یک خروار گندم به ۴۲ تومان افزایش می‌یابد. (روزنامه رعد، سال نهم، شماره ۹، دهم صفر ۱۳۳۶ هجری)
- در زمستان ۱۳۳۶ قیمت با سرعت افزایش می‌یابد و یک خروار گندم ۵۳ تومان می‌شود. (روزنامه رعد، سال نهم، ش ۱۸، بیستم صفر ۱۳۳۶ هجری)

چگونگی افزایش قیمت در سال‌های جنگ در نمودار ۲ مشخص و آشکار می‌باشد.

باتوجه به شرحی که در مورد وضعیت اقتصادی در زمان حضور نیروهای بیگانه درگیر جنگ در کردستان بر اساس اسناد و منابع ذکر گردید در جدول ۳ و نمودار ۴ در خصوص میزان جمعیت و درصد تغییرات قیمت گندم و تاثیر آن بر کردستان، ایجاد زمینه‌های احتکار و بحران و در نهایت تورم که شرایط اقتصادی ناگوار و بسیار بدی را برای مردم منطقه به وجود آورده است رامی‌توان مشاهده نمود.



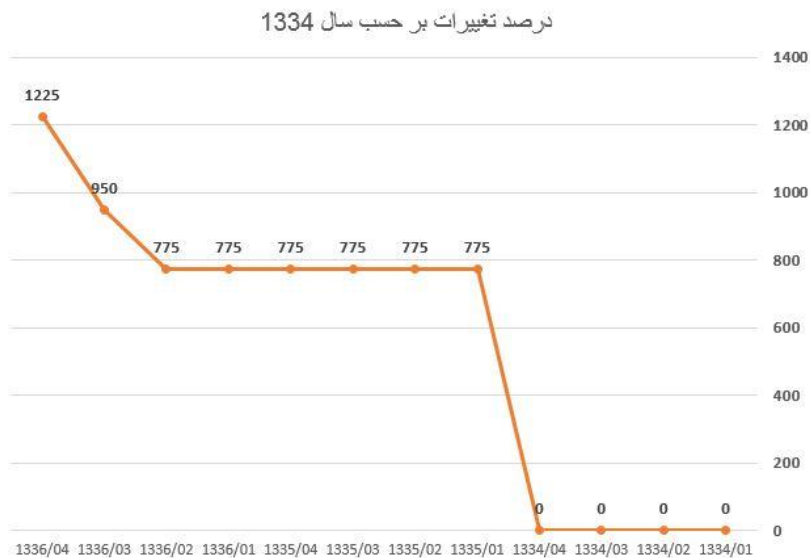
نمودار ۲: افزایش قیمت گندم به عنوان قوت اصلی مردم.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۳: میزان جمعیت و تغییرات آن در دوره جنگ جهانی اول

سال / فصل	قیمت هر ۳۰۰ کیلو گندم به ریال	درصد تغییرات بر حسب سال ۱۳۳۴	میزان جمعیت (میلیون نفر)
۱۳۳۴/۰۱	۴۰	+	۱۸
۱۳۳۴/۰۲	۴۰	+	۱۸
۱۳۳۴/۰۳	۴۰	+	۱۸
۱۳۳۴/۰۴	۴۰	+	۱۸
۱۳۳۵/۰۱	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۵/۰۲	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۵/۰۳	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۵/۰۴	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۶/۰۱	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۶/۰۲	۲۵۰	۷۷۵	۱۲
۱۳۳۶/۰۳	۴۲۰	۹۵۰	۱۰
۱۳۳۶/۰۴	۵۲۰	۱۲۲۵	۱۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر



نمودار ۴:

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- نقش مالکان در بحران غله کردستان

کمبود غلات و سایر مواد غذایی در کردستان زودتر از سایر مناطق کشور نمود یافت و بسیار زود اوضاع این منطقه را با بحران روبرو ساخت و نشانه‌های قحطی در کردستان را نمایان ساخت. در بحران قحطی این نواحی افزون بر کمبود بارش و خشک سالی، عوامل دیگری نیز نظیر حضور مستمر نیروهای بیگانه در این منطقه، از جمله عثمانی‌ها و صد البته روس‌ها بود که اغلب مایحتاج خود را از غلات کردستان تأمین می‌کردند. دست به دست شدن این سرزمین بین لشکرهای بیگانه و تاراج پی در پی آن، نواحی مختلف کردستان را از هستی ساقط کرد. در سوم تیرماه سال ۱۲۹۶ش / ۴ رمضان ۱۳۳۵ق. از کردستان به وزارت مالیه گزارش گردید که روس‌ها بیش از توان منطقه درخواست تهیه غله دارند و با اینکه از هنگام ورود تاکنون حدود ۴۲۰۰ خروار گندم از قرار خرواری ۱۵ الی ۲۰ تومان در اختیار قشون مستقر در سنندج قرار گرفته است؛ اما باز هم درخواست گندم کرده اند در حالی که دیگر در سنندج گندمی وجود ندارد (ساکما/۴۱۵۲/۲۴۰).

در چنین شرایطی با کاهش چشم‌گیر میزان ذخیره غلات از جمله گندم، نان مصرفی مردم سنندج به شدت دچار کمبود و نایابی شد بطوریکه گزارش‌ها حاکی از مرگ افراد بعلت گرسنگی هستند (روزنامه نوبهار، ۱۲۹۶ش: ص ۶، ش ۶۶، ص ۲). در همین ارتباط تلگراف‌هایی نیز به مرکز مخابره گردیده با این مضمون که در شبانه روز عده‌ای در کردستان می‌میرند اما مالکین بزرگ کردستان مانند آصف دیوان، محمد علی خان، و سایرین بیش از پنج شش هزار خروار گندم را احتکار کرده‌اند (روزنامه نوبهار، ۱۳۳۶ق، ۳۰ بهمن ۱۲۹۶ش:، ش ۱۰۰، ص ۲). از

این تلگراف‌ها و گزارش‌هایی که به مرکز مخابره گردیده بود بر می‌آید که علت اصلی و مشکل قحطی در کردستان احتکار مالکان بوده است. شیخ رئوف ضیایی نیز از شخصیت‌های معاصر کردستان، عملکرد مالکان و ثروتمندان منطقه را در افزایش بحران موثر دانسته است (ضیایی، ۱۳۶۷: ۷۵-۷۶). علاوه بر این به اغتشاشات ایلات نیز در نابودی مزارع اشاره گردیده است. چراکه در زمان حضور نیروهای مهاجم ناامنی‌ها دامن زده شد و باعث گردید تایاگیان و راهزنان اندوخته‌های مردم را تاراج کنند و کشتزارها و علوفه و دام‌های منطقه را نابود کردند و اهالی را به سوی قحطی و مرگ سوق دادند. از آنجا که گروس یکی از مراکز مهم کشاورزی و اقتصادی غرب کشور محسوب می‌شد انتظار می‌رفت که کردستان به طور عام و اهالی شهر بیجار به ویژه کمتر دچار بحران قحطی و گرانی شوند، اما با آغاز جنگ جهانی اول و حضور قوای خارجی و استفاده‌های آنان از غلات منطقه، احتکار غلات توسط مالکان و خوانین منطقه و غارت‌ها توسط اشرار مندمی و گلباغی و خالی از سکنه شدن تعدادی از قراء گروس موجب شد که روز به روز از میزان تولید این منطقه کاسته و دچار بحران غله شود. در تداوم و افزایش غارتگری عشایر در گروس موجب گردید که غلات با کمبود مواجه شده و قیمت آن روز به روز افزایش یابد، به گونه‌ای که در آذر ماه ۱۲۹۵ ش. نرخ یک خروار گندم در گروس ۳۵ تومان، جو ۳۲ و ارد به ۴۰ تومان رسید (ساکما، ۱۳۶۰/۹۶۹۶).

بنابراین اوصاف می‌توان متوجه شد که در طی سال‌های جنگ جهانی اول احتکار توسط مالکان و خوانین کردستان، تاخت و تاز ایلات سرحدی که موجب نابودی اموال، احشام و غلات ساکنان کردستان و نیز ناامن نمودن راه‌ها که تجارت، کسب و کار را بی‌رونی و اوضاع اقتصادی منطقه را بحرانی ساختند همچنین اقدامات خودسرانه سالار الدوله در نهایت باعث بحران در کردستان گردید.

۶- پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی اول بر کردستان

مناطق غربی ایران به واسطه هم مرز بودن با امپراتوری عثمانی، بیشترین مبادلات اقتصادی و بازرگانی را با این کشور داشت و عمده ترانزیت کالا در مرزهای غربی نیز از طریق راه‌های ارتباطی دو کشور صورت می‌گرفت. هرچند که از سال‌ها قبل به واسطه ناامنی ایجاد شده توسط برخی گروه‌های عشایر کوچنده بخشی از مبادلات در این مرزها با خطرهایی مواجه بود اما این امر با آغاز جنگ جهانی اول به طور کامل سرنوشت متفاوتی یافت. با حضور قوای متحدین و متفقین و تسلط آنان بر این منطقه از مبادلات تجاری به شدت کاسته شد و بسیاری از تاجران و بازرگانان عثمانی با آغاز جنگ و انتشار خبر آن، که از عثمانی به شهر سقز آمده و در آنجا به سر می‌بردند، به دستور دولت عثمانی به کشور خود بازگشتند (تیمور زاده، ۱۳۸۰: ص ۳۱). در نتیجه آغاز جنگ و رسیدن آن به کردستان، تجار و بازرگانان و پیشه‌وران حرفه خود را از دست دادند (تیمور زاده، ۱۳۸۰: ص ۳۱). دولت‌های خارجی، خطوط تلگرافی را که از نیازهای مبرم تجار و بازرگانان برای برقراری ارتباط با بازار تجارت جهانی بودند، تصرف و از آن‌ها برای اهداف نظامی استفاده می‌کردند. این مسئله بر رکود اقتصادی کردستان تأثیری مستقیم داشت. این مسأله و نیز غارت و تخریب اموال گمرک شهرهای مختلف نیز به نوبه خود بر اقتصاد این مناطق ضربات سنگینی وارد ساخت. شهر سقز که در مسیر عبور و مرور نظامیان روس قرار داشت، مردم این شهر مجبور بودند تا مایحتاج

آنان را تأمین کنند که این امر به وارد آمدن خسارت‌های مالی بسیاری به اهالی این شهر منجر می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۶۵۶).

از دیگر عوامل رکود اقتصادی این مناطق رواج متناوب واحدهای پولی کشورهای عثمانی، آلمان و روسیه بود. عثمانی‌ها برای خرید اقلام خوراکی مورد نیاز خود، اسکناس‌های عثمانی پرداخت می‌کردند در حالیکه در گردش پول و معاملات بازاری فاقد ارزش بودند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ص ۵۴). در این ایام واحدهای پولی متفاوتی در دست مردم بود اما ارزش چند برابری آنها در مقایسه با واحد پول ایران سبب شد کاربردی نداشته باشند و پس از مدتی رواج خود را از دست بدهند (ساکما، ۲۴۰/۳۹۲۰). اما این تنها بخشی از واقعیت بود و بخش مهم آن به تعدیات این دولت‌ها به اموال و آذوقه‌های مردم باز می‌گشت که در قبال آن هیچ وجهی به مردم پرداخت نمی‌شد. لذا غارت آذوقه و اموال مردم برای تأمین نیازهای نظامیان، از مهمترین عوامل نابودی حیات اقتصادی مردم به حساب می‌آمد. قشون روس و عثمانی که نیروهای خود را در شهرهای مختلف ایران گسترانیده بودند، نیاز خود به آذوقه و غلات را با غارت خانه‌های مردم برآورده می‌کردند. گندم، غذای اصلی مردم، نایاب شد و مشکل کمبود نان یکی از مشکلاتی بود که مردم با آن مواجه شدند. به گفته تیمورزاده، مردم شهر سقز را ترک کرده و اموال خود را با خود برده و قسمتی را در خانه‌های یهودیان بانه به امانت قرار دادند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ص ۵۳ و ۵۴).

علاوه بر روس‌ها نیروهای عثمانی و آلمانی که زبان‌های اقتصادی و مالی بسیاری بر مردم این منطقه تحمیل می‌کردند، نیروهای نظامی هندی که در خدمت انگلیس بودند نیز بر وخامت اوضاع می‌افزودند. نظامیان هندی بسیاری از روستاهای غرب ایران را غارت کردند و نیروهای قزاق برای سرکوب آنها به این روستاها اعزام شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۶۵۶). در این میان ایلات و عشایر نیز از فرصت استفاده کرده و به غارت روستاها می‌پرداختند. همچنین خشکسالی و قحطی نیز در این میان موجب فشارهای اقتصادی بسیاری بر مردم گردید. در سوی دیگر نیز مالکان و زمین‌داران و ثروتمندان با احتکار غله سبب افزایش قیمت محصولات کشاورزی و نایاب شدن غله و نان در نواحی مختلف گردیدند. خشکسالی و آفت بر وخامت وضعیت محصولات کشاورزی می‌افزود و حاصلخیزترین نواحی مناطق اشغالی نیز برای تأمین مواد غذایی ضروری خود در تنگنا بودند (ساکما، ۲۴۰/۴۳۷۷). تیمورزاده که خود از شاهدین جنگ و کشتار و گرسنگی مردم در نبود غله بوده، گوید:

«اما گرسنگان بازار پریشانی و برهنگان کسوت زندگانی در بیابان ناتوانی با صدای گرفته و حزین می‌نالیدند. در زمانی که این ملت غمبار تحت فشارهای قشون جرار واقع بودند هر روزه اسیر دردی و پیشامدی شدید می‌شدند. برای تکمیل بدبختی حیوانات رو به انهدام نمود. موازنه گندم از قدیم الایام در سقز از روی پیمانانه و تغار بود. تغار سقز سی من پیمانانه بود که به وزن شش کیلو و نیم امروز است. مظنه معمولی دائمی یک تغار یازده هزار بود که در این موقع ناگهان به سه تومان رسید و در ظرف ده روز از سه تومان به سی تومان ترقی نمود. این دفعه از روی ناچاری در میان اکثریت فسق و فجور افزوده گردید.» (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۶)

اراضی کشاورزی چنان نابود شده بودند که حکومت از روش‌های مختلفی برای احیای آنها استفاده کرد و گرفتن مالیات از این اراضی را به تأخیر انداخت یا کشاورزان را از پرداخت مالیات معاف کرد. با توجه به میزان خرابی‌های املاک در کردستان، وزارت مالیه کمیسیون با حضور رئیس اداره مالیه و رؤسای ادارات دولتی و برخی

معمدین مردمی تشکیل داد؛ در این کمیسیون تصمیم گرفتند که روستاهای نسبتاً آباد مالیات خود را همانند گذشته بپردازند و پس از سه سال، تمام مالیات خود را و املاکی که کامل ویران شده بودند تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف شدند (ساکما ۱۹۶۹۳ / ۲۴۰).

۷. نتیجه گیری

جنگ جهانی اول تاثیرات و تبعات زیاد و مهمی را بر وضع اقتصادی منطقه کردستان بوجود آورد. زمانی که دامنه جنگ به کردستان کشیده شد، باتوجه به اینکه کردستان از سال های قبل از جنگ جهانی دچار تشتت سیاسی، نامنی و پریشانی شده بود در این برهه نیز از لحاظ اقتصادی وضعیت نامناسب و آشفته ای یافت. هرکدام از نیروهای درگیر جنگ به بهانه ای به منطقه کردستان که بخشی از عرصه نبرد های آنان بود آمدند و کردستان را در آن وضعیت بهم ریختگی سیاسی و نامنی به سوی وضعیت بحرانی اقتصادی کشاندند. در این راستا باتوجه به بررسی مقطع زمانی جنگ جهانی اول در استان کردستان این نکات مطرح می گردد: نکته ی اول اینکه چگونه نظامیان کشورهای بیگانه به منطقه کردستان آمده و بدون محدودیت توانسته اند در راستای اهداف نظامی بدون هیچ مانعی از امکانات منطقه استفاده، مصادره و غارت نمایند؟ می توان این پاسخ را در نظر گرفت، نبود قدرت مرکزی و حاکمیت قوی برای جلوگیری از ورود نیروهای بیگانه درگیر جنگ به منطقه کردستان. نکته دوم این است که چرا حاکمان محلی به جای تدبیر و سیاست مناسب در راستای ایجاد امنیت و دفاع از مال و جان مردم خود باعث وخامت بیشتر وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه می شوند؟ جواب اینست که در راستای حفظ منافع اقتصادی و قدرت خود قدم برداشته و اقدامی برای نجات مردم از وضعیت بحرانی پیش آمده بر نمی دارند. علاوه بر نکات مورد اشاره اقدام از سوی قشون طرف های درگیر جنگ برای تامین آذوقه ی مورد نیاز خود به اعمال و رفتارهای غیر معمول از جمله غارت، فشار و زور برای گرفتن ارزاق عمومی مردم پرداختند. در این مورد نیز نیروهای بیگانه بخش عمده آذوقه ی موجود در منطقه را مصادره نموده و دست به تاراج و چپاول مناطق مختلف می زدند. سخن آخر اینکه کشیده شدن شعله های جنگ جهانی اول به کردستان در مدت زمان جنگ باتوجه به بررسی و بیان وضعیت منطقه در این دوران اثرات بسیار ناگوار مالی و اقتصادی بر مردم کردستان عارض می گردد.

فهرست منابع

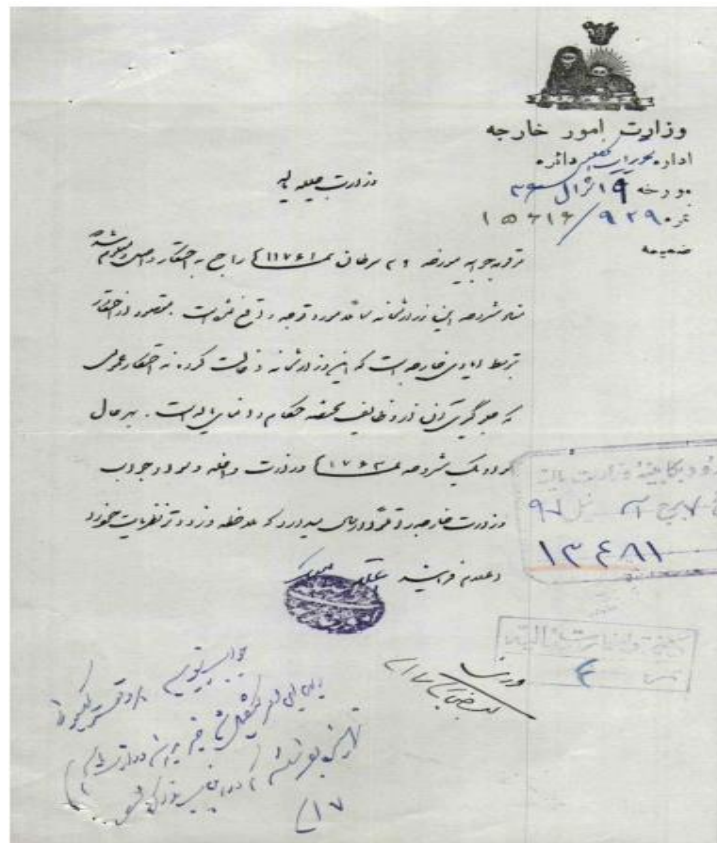
- ۱) ابن صوفی، ملا محمد رضا (۱۳۹۰)، تاریخ کردستان، تصحیح دل آرا مردوخی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲) اتابکی، تورج (۱۳۸۷)، ایران و جنگ جهانی اول، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات حقیقت خواه.
- ۳) آذری، رضا (۱۳۷۸)، در تکاپوی تاج و تخت، اسناد ابوالفتح میرزا سالار الدوله، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ۴) آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، بحران مشروطیت در ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- ۵) بیات، کاوه (۱۳۸۹)، ایران و جنگ جهانی اول اسناد وزارت داخله، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- ۶) تیمورزاده، مصطفی (۱۳۸۰)، وحشت در سقز، به کوشش شهباز محسنی، تهران: شیرازه.

- ۷) راوندی، مرتضی (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۸) رحمتی، محسن؛ دالوند، کیومرث (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «بررسی نقش نظرعلی خان امرایی در غائله سالارالدوله»، پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، شماره ۱۶ (صص ۱۴۳-۱۶۰)
- ۹) رضایی، ۱۳۹۷، ارزیابی علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صفحه ۲۰۱-۲۲۷.
- ۱۰) زارعی مهرورز، عباس (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی طریقت های کردستان در آغاز قرن بیستم»، تحقیقات تاریخ اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره اول (صص ۶۵-۸۱).
- ۱۱) سایکس، سرپرسی (۱۳۳۵)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر، ج ۲، تهران: موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- ۱۲) سجادی، علاءالدین (۱۳۸۱)، تاریخ جنبش های کردستان، ترجمه رئوف کریمی، سندج: انتشارات کردستان.
- ۱۳) شمیم، علی اصغر (۱۳۷۰)، کردستان، تهران: مدبر.
- ۱۴) صوفی، علیرضا؛ غفوری، شهرام (۱۳۹۸)، «زمینه و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی حضور سالارالدوله در همدان مقاله»، پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، ش ۱۵ (صص ۲۴۵-۲۵۸)
- ۱۵) ضیایی، رئوف (۱۳۶۷)، یادداشت هایی از کردستان، خاطرات شیخ رئوف ضیایی از وقایع حضور روسیه و بریتانیا و عثمانی و آشوب های محلی، به کوشش عمر فاروقی، ارومیه: انتشارات صلاح الدین ایوبی.
- ۱۶) عباسی، غلامرضا، رحیم زاده، اشکان، سلمانی، داود، نااطمینانی توری و رشد اقتصادی در ایران، ۱۳۸۸، دوره ۳، شماره ۹، صفحات ۸۵-۱۰۹.
- ۱۷) فرمانفرمایان، منوچهر (۱۳۷۷)، خون و نفت، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس
- ۱۸) فرهمند عراقی، علی (۱۳۸۲)، واکنش ایران به نقض بی طرفی در جنگ جهانی اول، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱۴.
- ۱۹) کدی، نیکی (۱۳۸۵)، نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس
- ۲۰) لازاریف، م. س. و همکاران (۱۹۹۹)، تاریخ کردستان، ترجمه کامران امین زاده - منصور صدقی، مسکو.
- ۲۱) مردوخ، محمد (۱۳۷۹)، تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ.
- ۲۲) محمدی، هادی، فلیحی، نعمت و باقر آبادی، صمد، ۱۳۹۲، تحلیل عوامل موثر بر اشتغال بخش کشاورزی (مطالعه موردی استان ایلام، کردستان، کرمانشاه و همدان)، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۷ شماره ۲۲، صفحات ۱۱۵-۱۳۵.
- ۲۳) مظهر احمد، کمال (۱۹۷۵)، کردستان له ساله کانی شهری یه که می جیهاندا، بغداد: کوری زانیاری کورد.
- ۲۴) ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۸)، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۵) مومنی، حمید (۱۳۵۸)، درباره مبارزات کردستان، تهران: شباهنگ.
- ۲۶) میروشنیکف، ایران در جنگ جهانی اول. ترجمه ع. دخانیاتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات فرزانه، ۱۳
- ۲۷) ناهید، عبدالله (۱۳۶۲)، خاطرات من، به اهتمام احمد قاضی، [بی جا]، چاپخانه شبنم.

- ۲۸) نقیب زاده، احمد (۱۳۶۸)، نگاهی به تاریخ روابط بین الملل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۹) نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶)، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران: نیلوفر
- ۳۰) اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)
- ۳۱) روزنامه نو بهار، ۱۲۹۶ش: ۶۶، ص ۲
- ۳۲) روزنامه نو بهار، ۳۰ بهمن ۱۲۹۶ش: ۱۰۰، ص ۲
- 33) Ibn Sufi, Mulla Mohammad Reza (2013), History of Kurdistan, edited by Del Ara Mardokhi, Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- 34) Atabaki, Touraj (2008), Iran and the First World War, translated by Mehdi Hejatkah, Tehran: Hejatkah Publications.
- 35) Azari, Reza (1999), in the pursuit of the throne, the documents of Abolfath Mirza Salar al-Dawlah, Tehran: Organization of National Records of Iran.
- 36) Afari, Janet (2000), Constitutional Crisis in Iran, translated by Reza Rezaei, Tehran: Bistoun Publishing.
- 37) Bayat, Kaveh (2010), Iran and the First World War Documents of the Ministry of Interior, Tehran: Publications of the National Records Organization of Iran.
- 38) Teymourzadeh, Mustafa (2010), Terror in Saghez, by Shahbaz Mohseni, Tehran: Shiraz.
- 39) Ravandi, Morteza (1978), Social History of Iran, Tehran: Amirkabir Publications.
- 40) Rahmati, Mohsen; Dalvand, Kiyomarth (spring and summer 2019), "Investigation of the role of Nazar Ali Khan Omraei in the Salar al-Doleh war", Journal of Local History of Iran, No. 16 (pp. 160-143)
- 41) Milani, Abbas (2011). The Shah (New York: Palgrave Macmillan. pp. 2-19 to 21 (E-book edition).
- 42) Zarei Mehrvarz, Abbas (2014), "Investigating the political and social effects of Kurdistan's Tariqats at the beginning of the 20th century", Iranian Social History Research, 5th year, 1st issue (pp. 65-81).
- 43) Sikes, Sarpersi (1956), History of Iran, translated by Seyed Mohammad Taghi Fakhr, Vol. 2, Tehran: Ali Akbar Elmi Press Institute.
- 44) Sajjadi, Aladdin (2002), History of Kurdistan Movements, translated by Rauf Karimi, Sanandaj: Kurdistan Publications.
- 45) Shamim, Ali Asghar (1991), Kurdistan, Tehran: Modaber Press.
- 46) Sufi, Alireza; Ghafouri, Shahram (2018), "Context and socio-economic consequences of the presence of Salar al-Dawlah in Hamedan, article", Journal of Local History of Iran, Vol. 15 (pp. 258-245)
- 47) Ziyaei, Raouf (1988), Notes from Kurdistan, Sheikh Raouf Ziai's memoirs of the events of Russian, British and Ottoman presence and local riots, by Umar Farooqi, Urmia: Salahuddin Ayubi Publications.
- 48) Farmanfarmaian, Manouchehr (1998), blood and oil, translated by Mehdi Haqitkha, Tehran: Qoqnous Press.
- 49) Farahmand Eraqi, Ali (2003), Iran's reaction to the violation of neutrality in World War I, Foreign Relations Quarterly, Spring 2003, No. 14,
- 50) Kadi, Niki (2006), The Results of the Iranian Revolution, translated by Mehdi Hajikatkhah, Tehran: Qoqnous Press
- 51) Lazarev, M. s. et al. (1999), History of Kurdistan, translated by Kamran Aminzadeh - Mansour Sedghi, Moscow.
- 52) Mardukh, Mohammad (2000), Tarikh Mardoukh, Tehran: Karang.
- 53) Mazhar Ahmad, Kamal (1975), Kurdistanin the first years of the First World War, Baghdad: Kori Zaniari Kurd.

- 54) Melai Towani, Alireza (2008), Iran and the National State in the First World War, Tehran: Institute of Contemporary History of Iran.
- 55) Momeni, Hamid (1979), about the struggles of Kurdistan, Tehran: Shabahang Press.
- 56) Nahid, Abdallah (1983), my memories, by Ahmed Ghazi, Shabnam printing house.
- 57) Naqibzadeh, Ahmed (1989), A Look at the History of International Relations, Tehran: Tehran University Press
- 58) Nikitin, Vasili (1987), Kurd and Kurdistan, translated by Mohammad Ghazi, Tehran: Nilofar Press.
- 59) Sāzmān-e AsnādvaKetābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā)(National Library and Archives
- 60) Organization of Iran):
- 61) Ruznāme-ye bahar, 1296number : number 66 ,page 2
- 62) Ruznāme-ye bahar, 30bahman 1296number : number 100 ,page 2

پیوست ها



The economic situation of Kurdistan during the First World War (Grain hoarding and crisis)

Kihan Moshir Panahi¹

Mohammad Sheikh Ahmadi²

Osman Yousefi³

Mohammad Gurban Kiani⁴

Received: 16 / December / 2023 Accepted: 03 / February / 2024

Abstract

With the start of the First World War and the entry of the Ottomans into the battlefield, the scope of the war was also extended to Kurdistan. The presence of the armies of the warring governments in Kurdistan, the personal interests of the local rulers by hoarding grains caused a grain the crisis in Kurdistan and social consequences such as poverty, hunger, corruption, prostitution, in the migration of people from cities and the destruction of villages followed.

Research method/approach: The current research is based on historical sources, such as books, documents and press, using a descriptive-analytical approach.

Objective: To investigate the grain hoarding and crisis in Kurdistan, the activities and performance of local rulers in the First World War.

Findings and conclusions: The presence of the forces involved in the First World War in Kurdistan has disturbed the economic order of the region, the provision of food for these forces from local products, the decrease in the essential food of the people, as well as the hoarding of grains by the owners, the negative and inappropriate performance of the local rulers, and in addition to the problems and the many problems caused by the military forces involved in the war in the Kurdistan region due to their own benefit and the survival of their power have become a factor for increasing the economic and social damage of the region and finally led to hoarding and grain crisis in Kurdistan and caused poverty, hunger, famine and other unfortunate repercussions in Kurdistan.

Key words: First World War, Kurdistan, economic situation, hoarding, grain crisis.

JEL Classification: H12, E41

¹ Department of History, Sanandaj Branch, Azad University, Sanandaj, Iran. Kihanmoshirpanahi@yahoo.com

² Department of History, Sanandaj Branch, Azad University, Sanandaj, Iran (Nosandeh and responsible). M. sheikhahmadi@gmail.com

³ Department of History, Faculty of Religions, Kurdistan, Iran. maedeh856@gmail.com

⁴ Department of History, Sanandaj Branch, Azad University, Sanandaj, Iran Mohammad.kiany@yahoo.com